

بررسی تأثیر فردگرایی بر گفتمان عدم مداخله حاکمیت در الزام به حجاب

محمد رسول آهنگران^۱

اباذر افشار^۲

چکیده

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه مدرن در عصر کنونی، تشدید فردگرایی است که در فضای فرهنگی جامعه ایران تأثیر گذاشته است. تصور برخی از افراد جامعه ایران نسبت به رعایت پوشش اسلامی، از «تعهد اجتماعی داشتن» به سمت «فردی و شخصی انگاشتن» آن سوق پیدا کرده است و در نتیجه، دخالت حکومت و دولت را در الزام به رعایت آن غیر مجاز تلقی می‌کنند. هدف مقاله حاضر، واکاوی میزان تأثیر فردگرایی با انگاره عدم مداخله دولت در الزام به حجاب و اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. این پژوهش، به روش پیمایشی با توجه به دریافت دانشجویان دانشگاه تهران- پردیس فارابی در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بوده است که از بین آنان ۳۷۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. همچنین از روش کیفی و مصاحبه با نخبگان حوزوی و دانشگاهی و دریافت دیدگاه‌های ایشان بهره برده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد که شاخص‌های مؤثر فردگرایی (مصالح فردی، استقلال‌گرایی، خودمحوری، لذت‌گرایی فعلی، آزادی در تدبیر بدن) بر انگاره عدم مداخله دولت در الزام به حجاب به میزان قابل توجهی اثرگذار است و به تبع آن، تأثیر مستقیم بر اجرایی شدن قانون امر به معروف و نهی از منکر دارد. جهت اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر و نهادینه‌سازی فرهنگ عفاف و حجاب باید به زیرساخت‌های ذهنی و فرهنگی در جامعه فردگرا توجه بسیاری شود و با تقویت فرهنگ قانون‌گرایی در جامعه و پرورش انسان‌های منضبط و قانون‌گرا به مقوله حجاب به عنوان قانون اجتماعی لازم‌الرعایه تأکید شود.

واژه‌های کلیدی: فردگرایی، دولت، حاکمیت، الزام به حجاب، اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر

۱. استاد دانشگاه تهران، پردیس فارابی، دانش آموخته سطح چهار حوزه ahangaran@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، دانش آموخته سطح سه حوزه abazar.afshar@mail.um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۷/۴/۲۲

مقدمه

گفتمان فردگرایی، یکی از مهم‌ترین الگوهای توسعه غربی و خصایص جامعه مدرن به شمار می‌رود (وهر، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶؛ گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷؛ دورکیم، ۱۳۸۷، ص ۶۷). فردگرایی اصطلاحی است که در قرن نوزدهم ابداع شد و نیز بازتابی از تازگی این پدیده از آن زمان تا کنون است. این اصطلاح در یک تقسیم‌بندی به فردگرایی مثبت و منفی تقسیم می‌گردد. فردگرایی مثبت، به طور معمول یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی تلقی می‌شود و معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد به نفس و استقلال فردی است که همگی بار ارزشی مثبت دارد؛ در حالی که فردگرایی منفی معطوف به خودمداری، خودشیفتگی، اتکای افراطی به خود، شادکامی فردی، کیف فی الحال و کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران است (کیویستو، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷) که اساساً مخل نظم و امنیت اجتماعی است (وئوقی و میرزایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸؛ جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶). تحولاتی که در دنیا با ورود به فضای پست مدرن و رسانه‌ای در دهه ۱۹۶۰ میلادی و شکل‌گیری جریان‌هایی در این برهه مانند جریان نهضت زنان، جنبش‌های اجتماعی، انقلاب جنسی و ظهور و رشد جنبش فردگرایی در غرب به وجود آمد، سبب تحولات بنیادینی در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع گردید که فضای فرهنگی کشور ما نیز از این تغییرات متأثر شده است. به تعبیر دیگر، جامعه مدرن وارد عصر جدیدی شده که یکی از ویژگی‌های مهم آن، ظهور جنبش فردگرایی یعنی توجه به خود در زمان حال است. رشد فردگرایی در جامعه ایران، بر فضای فرهنگی آن تأثیر بسیاری گذاشته است. با رشد شبکه معنایی فردگرایی در خانواده، شبکه معنایی جمع‌گرایانه و حریم عمومی برداشته می‌شود و ارزش‌های اجتماعی، فهمی فردگرایانه به دست می‌آید و به تعبیر دیگر، حجاب و عفاف که در ذیل گفتمان جمع‌گرایی مطرح می‌شوند، تضعیف می‌گردند و به جای آن، جنبه‌های فردی تقویت می‌شود.

۱. مبانی نظری تحقیق

۱-۱. بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی

«Individualism» از ریشه لاتین «اندیودیوس» گرفته شده که خود مشتق از «Dividus» است. واژه «Dividus» همان «دیواید» است که به معنای جدا کردن و تقسیم شدن است. همچنین «اندیودوال» از همین ریشه، به هر موجود یا شیء یا گروه واحد و خاصی اطلاق می‌شود که ممتاز از

طبقه، انواع و مجموعه دیگری است. این واژه در لغت به یک انسان که در برابر گروه یا نهاد اجتماعی قرار دارد، نیز گفته شده است. به عبارت دیگر، واژه لاتین اندیویدیوم به معنای «غیر قابل تجزیه و تقسیم» است و در واقع، «Indivisible» به فرد یا اندیودوآلی اطلاق می‌شود که کوچک‌ترین و در عین حال، غیر قابل تفکیک‌ترین عنصر انسانی است و امروزه جهت هر آنچه که بتوان به آن به عنوان واحد یا رویدادی تنها نگریسته شود، به کار می‌رود (حمیدیه، ۱۳۸۵). برخی سرچشمه‌های این اصطلاح را در فلسفه سیاسی فرانسه به لوئی دمون (Dumont) می‌رسانند (شایان‌مهر، ۱۳۷۹، ص ۴۴۸). برخی نیز می‌گویند این اصطلاح را «سن سیمونی‌ها» به کار می‌برند و به نظر می‌رسد توسط «هری یو» که کتاب *دموکراسی در آمریکا* (۱۸۳۵) را ترجمه می‌کرد، به زبان انگلیسی وارد شده باشد و با اینکه ریشه‌های فردگرایی به زمان‌های بسیار پیش‌تر، یعنی به دوران کلاسیک برمی‌گردد؛ اما در شکل جدید از نهضت اصلاح دینی سرچشمه گرفته است. این جنبش در جوامعی که بیشتر از طریق سنت هدایت می‌شد، از حقوق افراد برای مورد سؤال قرار دادن و باورها و سازمان‌های مهم استفاده کرده است. وانگهی تفاوت «فردگرایی پورتیان» با «فردگرایی کلاسیک» در تأکید مسیحیانه آن بر وظیفه و تکالیف افراد بود که باید لذت‌های دنیا را نادیده گرفته و خدمت به خداوند را جایگزین خدمت به خود نمایند. از لحاظ تاریخی، کاربرد اصطلاح مذکور بیشتر جنبه تحقیر و انتقاد داشته است؛ به این معنا که فردگرایی را بیشتر به عنوان ابزاری جهت نیل به قدرت و توانگری مالی دانسته‌اند تا ابزاری برای بیداری فرد جهت دستیابی به حقوق اجتماعی و فردی. اما بعدها نویسندگان محافظه‌کار که مدعی نمایندگی واقعی آزادی‌خواهی (لیبرالیسم) در برابر سوسیالیسم بوده‌اند، تلاش نمودند تا جنبه انتقادی و تحقیرآمیز آن را برطرف نمایند (گولدر، ۱۳۷۶، ص ۶۲۳).

به هر حال، فردگرایی مبنای بسیار مهم در مدرنیته به شمار می‌آید؛ مبنایی که از دوران رنسانس به بعد همواره درباره اهمیت فلسفی آن بحث شد و سرانجام اقتصاد سیاسی کلاسیک اعتبارش را قطعی کرد. «هگل» این اعتبار را در سایه مفهوم روح قرار داد. این نکته که مفهوم «سوژه» از ذهنیت مهم‌تر است و از آن فراتر می‌رود، خود نشان‌دهنده آن است که ارزش «سوپرکتیویتی» فقط به آزادی اندیشه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به قدرت گرفتن عین آزادی انسان بستگی دارد؛ مفهومی که در حقوق دمکراتیک شهروندی جلوه‌گر شده است (بابک، ۱۳۷۷، ص ۴۲). نتیجه آنکه، مفهوم فردگرایی از مبنایی‌ای مانند «اصالت انسان» یا «اومانیزم» که در دوران مدرنیته شکل گرفته، به وجود آمده است. بر اساس چنین مفهومی، خدمت فرد به انسان، یگانه هدف مورد نظر برای همه

مقاصد عالی بشر است. فرد بشر تنها موجودی است که همگان باید پروای او را داشته باشند و در تمامی تعاملاتشان با جهان اطراف، نسبت به تثبیت جایگاه او و حفظ حقوقش متعهد باشند. مفهوم فردیت بسیار با مفهوم مدرنیته گره خورده است. بنابراین، از دیدگاه فردگرایانه، فرد انسانی خودش به تنهایی معنا و مفهوم و هویت مستقل دارد و از تمامی حقوق و آزادی‌ها به صرف انسان بودنش برخوردار است. به خلاف جمع‌گرایی که در آن فرد به سبب استحاله شدن در جمع هویت پیدا می‌کند. بنابراین، اصطلاح فردگرایی که در برابر سوسیالیسم به کار برده می‌شود، مفهومی است که در بیشتر نظام‌های حکومتی دمکراتیک به عنوان پایه و هدف اولیه حکومتی تلاش می‌کند شرایطی را مهیا سازد که در آن بهترین منافع و تلاش‌ها در راستای دستیابی به تمامی ظرفیت‌های فردی محقق شود (کاند، ۱۹۹۴؛ به نقل از گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲).

در جوامع فردگرا، مصالح فردی بر مصالح گروهی مقدم دانسته می‌شود و این سستی پیوند فرد و گروه را در کوچکی ساختار گروه نخستین زندگی انسانی (خانواده) می‌توان ملاحظه کرد. ساختار بیشتر خانواده‌ها در جوامع فردگرا «خانواده هسته‌ای» است که حداقلی از اعضا را در برمی‌گیرد: زن و شوهر (والدین) و احتمالاً بچه‌ها. کودکان متولد شده در این خانواده‌ها، به محض بزرگ شدن، به سرعت یاد می‌گیرند که درباره خودشان با عنوان «من» فکر کنند. این «من» هویت شخصی آن‌ها، از «من»‌های دیگر افراد متمایز است و این دیگران، نه طبق عضویت گروهی‌شان، بلکه طبق ویژگی‌های شخصی‌شان طبقه‌بندی می‌شوند. برای مثال، همبازی‌ها بر اساس سلیق شخصی انتخاب می‌شوند. هدف آموزش و پرورش آن است که کودک را قادر سازد روی پای خودش بایستد. از کودک انتظار می‌رود که در نزدیک‌ترین زمانی که این هدف تحقق یافت، خانه پدری خود را ترک کند. این وضعیت نادری نیست که بچه‌ها، پس از ترک خانه، روابط را با والدین خود به حداقل کاهش دهند یا کاملاً قطع کنند. نه از حیث عملی و نه از حیث روان‌شناختی تصور نمی‌رود فرد سالم در این نوع از جوامع به گروهی وابسته باشد (عوقی، ۱۳۹۰).

از جمله اصطلاحاتی که در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و غیره با آن رو به رو می‌شویم، اصطلاح «فردگرایی» است. این اصطلاح در عرصه حقوق بشر نیز کاربرد فراوانی داشته و مشهور است

که حقوق بشر مدرن، بر یک رویکرد فردگرایانه استوار است و به عنوان نمونه مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر تمامی حقوق مندرج در آن به فرد انسانی تعلق دارد (آراسته خو، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹). لوکز برای فردگرایی شاخص‌هایی تشخیص داده است؛ مانند احترام به ارزش انسانی، استقلال و آزادی عمل، حرمت امور شخصی، خودشکوفایی و غیره (جهانیان، ۱۳۷۸، ص ۲۹). مفهوم فرد به عنوان مالک خودش به طور واضح در آثار جان لاک قابل مشاهده است. انسان به دلیل آقایی بر خود، تملک بر خویشتن و کار خود، پایه‌های عظیم دارایی را در خود داشت و هم اینک با تملک دارایی مادی، از همان مالکیتی پرده بر می‌دارد که پیشاپیش نسبت به خویش و اعمال و پیشه خویش داشته است (همان، ص ۵۹). هافستد فردگرایی را این گونه تعریف کرده است: «فردگرایی به جوامعی مربوط است که پیوندهای میان افراد سست است؛ از هر کسی انتظار می‌رود که مواظب خود و خانواده بلاواسطه خود باشد» (عوقی، ۱۳۹۰). تعاریف متعدد و گوناگونی برای اصطلاح مذکور ارائه شده که به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. برخی در تعریف واژه مذکور گفته‌اند: «به تشریح و تبیین پدیده‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی از طریق نظام نگرش‌ها و اعتقادات افراد، فردگرایی گویند. فردگرایی در حوزه سیاست، اعتقاد به آزادی فردی دارد، مانند لیبرالیسم، و در حوزه اقتصاد نیز بر مالکیت خصوصی متکی است، در حوزه روانشناسی به تشریح وضعیت رفتار فرد در ارتباط با محیط می‌پردازد و در حوزه اجتماعی نیز بر واکنش متقابل افراد توجه دارد» (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۳۹۷).

در فرهنگ علوم سیاسی نیز فردگرایی چنین تعریف شده است: «مفهوم آن، برتر پنداشتن فرد از جمع و قائل شدن اهمیت برای فرد در برابر جمع است. بر مبنای این نظریه اگر حقوق، نیازها و منافع فرد و آزادی‌های فردی در جامعه تأمین شود، این امر خود به خود منتهی به تأمین منافع و مصالح اجتماعی می‌شود. فلسفه فردگرایی، مالکیت خصوصی را شرط ضروری آزادی می‌داند و با دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مخالف است و دخالت دولت را تنها در صورتی که به منظور تأمین آزادی عمل فرد انجام گیرد، مجاز می‌شمارد» (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳، ص ۳۱۱).

تعریف دیگری که از واژه مذکور صورت گرفته و ارتباط آن با مسئله حقوق و حقوق بشر بررسی شده، عبارت است از اینکه فردگرایی به معنای نفی جمع نیست؛ بلکه نوعی خاص از ارتباط با قانون است. بنابراین، اصطلاح فردگرایی در مقابل جمع نیست؛ چون کاملاً امکان دارد که جماعتی از افراد قانون وضع کنند یا گروهی در پارلمان به صورت جمعی وضع قوانین نمایند. در این معنا، مفهوم فردگرایی مفهومی یک جانبه و به صورتی یک جانبه مثبت نیست (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۴۴۷).

در منطق فردگرایی، انسان‌ها جدا از یکدیگرند؛ چرا که هر یک از آن‌ها به دنبال برآوردن امیال و خواسته‌های خویش‌اند؛ از این رو، دیگران را به مثابه اشیائی تلقی می‌کنند که اگر بر سر راهشان قرار نگیرند، خنثی هستند؛ وگرنه یاور و یا مانع تحقق مقاصد و امیال فردی‌اند. حتی آزادی فرد، نه به جهت رسیدن به هدف سیاسی متعالی‌تر؛ بلکه فی‌نفسه عالی‌ترین هدف است و به معنای آزادی از تمام موانعی است که بر سر راه خواسته‌های فرد قرار می‌گیرد (آریلاستر، ۱۳۷۷، ص ۲۱-۲۵).

فردگرایی هستی‌شناختی، مبانی فلسفی لازم برای فردگرایی اخلاقی و سیاسی را به وجود می‌آورد. از این رو، در این طرز تفکر، فرد و حقوق و خواسته‌های او از هر لحاظ بر جامعه و حقوق و خواسته‌های آن مقدم داشته می‌شود (همان، ص ۱۹-۲۰). همچنین تملک مطلق انسان بر خویشش، از اندیشه فردگرایی ملکی لیبرالی ناشی شده است که به موجب آن زندگی فرد به خود او تعلق دارد. این زندگی، دارایی خود او است و به خداوند، جامعه یا دولت تعلق ندارد و می‌تواند با آن هر طور که مایل است رفتار کند (همان، ص ۳۸). به نظر پارسونز، فردگرایی همان است که فرد در انتخاب متغیرهای کنش خود را به جای منافع جمعی به سمت منافع فردی جهت دهد. در واقع، منافع فرد در تقابل با منافع جامعه در نظر گرفته می‌شود. مارکس، مفهوم آزمندی و خودخواهی را که توسط نظام سرمایه‌داری ایجاد شده، عامل آن می‌داند که نظام پیوسته از تأکید بر مسئولیت مشترک جمعی به سوی فردگرایی حرکت کند و بیشتر، آن را در بحث اختلاف منافع طبقاتی بررسی کند (کرایب، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶ و ۳۸۳؛ گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۲۳۸). و بر فردگرایی را مربوط به کنش‌های عقلانی بسیار هدفمند و نتیجه کنش ابزاری یا همان عقلانیت صوری می‌دانست که موجب کاهش وابستگی جمعی می‌شد. در نظریه تبادل هومنز، اساس کنش افراد را نفع و سود شخصی تشکیل می‌داد. نقطه مقابل فردگرایی، دگرخواهی است. می‌توان گفت دگرخواهی عبارت است از اینکه فرد بالاتر از تعهدات خود عمل کند؛ به طوری که منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد.

۲-۱. بررسی محدوده مداخله دولت در قلمرو آزادی‌های افراد

در هر فرهنگ بعضی اصول دارای اهمیت فوق‌العاده بوده و غیر قابل تغییر تلقی می‌شوند. مثلاً در کشور ما دین اسلام اصل کلی است و می‌توان آن را مفروض فرهنگی یا انتظار اصلی اجتماعی دانست. تحولاتی که در هر جامعه‌ای پدید می‌آید و افعال و قواعدی که انتخاب می‌شود، باید الزاماً با مفروضات یا انتظارات اصلی فرهنگ موافقت داشته باشد تا مورد قبول و عمل قرار گیرد (صانعی،

۱۳۸۲، ص ۵۹). با توجه به اینکه هنجار حقوقی در نظام اسلامی علاوه بر الزامات، یعنی باید‌ها (واجبات) و نبایدها (محرمات)، موارد ترجیح بدون الزام، یعنی ترجیح فعل بدون عقاب بر ترک (مستحبات) و ترجیح ترک بدون عقاب بر فعل (مکروهات)، و نیز موارد تخییر یعنی موارد تساوی فعل و ترک از لحاظ مصلحت مفسده (مباحات) را تعیین می‌کند، گستردگی قلمرو هنجار حقوقی در نظام اسلامی، جای چندانی برای هنجار اجتماعی به عنوان وضعیت غالب رفتاری مستقل از هنجار تشریعی باقی نمی‌گذارد. در نظام اسلامی هنجار اجتماعی به طور عمده، الهام گرفته از هنجار حقوقی است؛ چرا که جامعه اسلامی، جامعه‌ای مبتنی بر ایمان و باور قلبی است. البته این سخن به معنای نفی مطلق گرایش‌های رفتاری مستقل جامعه و اثبات اثر یک‌سویه همه‌جانبه هنجار دینی بر هنجار اجتماعی نیست. هر اجتماعی، علاوه بر عامل عمده ایدئولوژیک، تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی و غیره، انتخاب‌ها و گرایش‌های خاص رفتاری خود را دارد (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۸۶).

برخی از صاحب‌نظران، با توجه به معین و مشخص بودن مجازات‌های حدی بیان می‌کنند: [مجازات‌های تعزیری] که قابل تعیین دقیق نبوده، چون بسیار پر نوسان است، اصل آن را به طور کلی تشریع کرده و تعیین دقیق آن را به عهده حکومت اسلامی و حاکم شرع گذارده که با در نظر گرفتن «کیفیت»، «کمیت»، «نوع دوم»، «سایر خصوصیات» و غیره، مجازات لازم را تعیین و اجرا کند. این یکی از رموز جاودانگی آیین اسلام است؛ زیرا دست قضات را برای مجازات مجرمان - با توجه به شرایط و ویژگی‌های زمان - باز گذارده و اختیارات نسبتاً وسیعی به آن‌ها داده است تا بتوانند نیازهای زمان را به وسیله آن برطرف کند و گرد اتهام «عدم قابلیت اجرا» بر دامان احکام آن ننشینند و همیشه تازه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۶۷). این تعریف بیانگر آن است که تعزیرات این امکان را به خوبی فراهم می‌آورد که حاکم جامعه اسلامی بتواند با عنوان قوانین شرعی، توجه به نظرات عمومی و ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز مدنظر قرار دهد. در این راستا، حاکم شرع لازم است در حین جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی تعزیرات، شرایط جامعه را نیز در نظر گرفته و با توجه به تحول همیشگی آن در زمان امروزی و پاسخگو نبودن بخشی از مجازات‌های زمان حال، تحت قالب شرع و سنجش جرم با آن به جرم‌انگاری پرداخته و یا حتی المقدور از تعداد جرایم فراوان موجود بکاهد. همین طور برخی دیگر نیز در راستای تأیید این نظریه، پس از بیان اختلافات موجود در تعاریف، ابهامات پیرامون مفاهیم حد و تعزیر و پس از انتقاد از لفظ‌گرایی و ظاهرنگری در این تفاسیر، با

ذکر حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، در ویژگی‌های تعزیر تأکید دارند: «ضمانت حفظ هویت و دوام رسالت این نظام سیاسی و حقوقی، در قالب نهاد «اجتماع» در بطن فقه اسلامی تعبیه گردیده است، راهکار مؤثری که دین خدا را از خطر بزرگ لفظ‌گرایی و «معنا»گریزی حفاظت می‌کند و موجبات بهره‌مندی جوامع اسلامی از مواهب هدایت تشریعی سماوی، در همه ازمه و امکانه را فراهم می‌آورد. به کمک و یا داوری بدیهیات عینی خارجی، نتیجه نهایی چنین مقابله‌ای، پیدایش تحولات مثبت به سمت و به نفع گرایش اصیل فقهی «محتواگرا» بوده و خواهد بود. گستره و قلمرو تعزیرات از نمونه‌های این تحولات اصول‌گرایانه بوده است». (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲-۱۴۳).

بر اساس مبانی فقهی، به ویژه نصوص و ظهور آیات قرآنی، از جمله آیات ۳۰^۱ و ۳۱^۲ سوره نور و آیات ۳۲^۳ و ۵۹^۴ سوره احزاب، وجوب حجاب، قطعی و مسلم است. وجوب در فقه یکی از احکام پنجگانه حکم تکلیفی است و یکی از ویژگی‌های مهم حکم تکلیفی غیر قابل اسقاط بودن آن است. به تعبیر دیگر، اراده انسان‌ها و مکلفان در آن دخالتی ندارد؛ بلکه شارع مقدس با استفاده از اوامر و نواهی مستقیم آن را واجب و آثار حقوقی خاصی را بر آن مترتب کرده است. صاحب عروه الوثقی، حقوق انسان‌ها را بر دو قسم حقوق شخصی و حقوق عمومی تقسیم می‌نمایند و درباره امکان اسقاط کردن این حقوق می‌فرمایند: حقوقی که به مصلحت شخص و فرد است غالباً قابل اسقاط است؛ اما حقوقی که به مصلحت دیگران و جامعه است، غیر قابل اسقاط است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۶۱). از این رو، با توجه به آثار اجتماعی رعایت عفاف و حجاب می‌توان نتیجه گرفت که عفاف و حجاب حق شخصی نیست تا دستاویزی بر عدم مراعات آن در جامعه باشد؛ بلکه حقی است که به مصلحت جامعه و دیگران است؛ بنابراین، غیر قابل اسقاط است و مسلمانان ملزم به اجرای آن در جامعه هستند.

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند» (نور، ۳۰).

۲. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند»؛ «و لا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛ و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند»؛ «و لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ و لا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا اطراف گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند» (نور، ۳۱).

۳. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای زنان پیامبر! شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید. پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست، به طمع افتد و سخن پسندیده بگوید» (احزاب، ۳۲).

۴. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ قَوْلًا يُوْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند و خدا آمرزنده و مهربان است» (احزاب، ۵۹).

از سوی دیگر، بر اساس ادله فقهی حقوقی، ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر و نیز ادله وجوب دفع منکر، دولت و به ویژه آمران به معروف و ناهیان از منکر، حق مداخله در این امر را دارند. اما در وضعیت کنونی جامعه، نگرش یا گفتمانی در جامعه حاکم شده است که دولت حق مداخله در الزام به حجاب ندارد. یکی از دلایل مهم این نگرش، ایجاد و تشدید پدیده‌ای به نام فردگرایی در جامعه ایران است که انعکاس دهنده این جمله است که بگذارید هر کس کار خود را آزادانه انجام دهد.

۲. پیشینه تحقیق

به برخی از پژوهش‌هایی که در این باره سامان یافته است، اشاره‌ای می‌شود:

یافته‌های یک پژوهش میدانی نشان می‌دهد که عمل بر مبنای ارزش‌های اخلاقی از سوی نوجوانان، با رفتار الگوی مادر، به خصوص در جهات مذهبی، از رابطه‌ای عمیق و نیرومند برخوردار است. به عبارت دیگر، مادرانی که خود به اصول مذهبی پای بند باشند و حجاب را عملاً ارج نهند، دخترانی باعفیف و باحجاب خواهند داشت. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از بین دو عامل تربیت و پای بندی مذهبی مادر در رابطه با ارزش‌های اخلاقی نوجوان، عامل دوم یعنی مذهبی بودن مادر ارتباط و همبستگی نزدیکی با ارزش‌های اخلاقی نوجوان دارد (سعیدی مقدم، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰).

همان طور که نظرسنجی‌ها از مردم تهران نشان می‌دهد، ۵۳ درصد نظردهندگان، عدم کنترل والدین را در تمایل فرزندان به استفاده از البسه ناهنجار مؤثر می‌دانند (جمعی از محققان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰).

همچنین گزارش نظرسنجی تلفنی از مردم تهران نشانگر این است که از نظر پاسخگویان، دیدن فیلم‌های مبتذل (با میانگین محاسبه شده ۲/۶۹ از ۳) و شبکه‌های ماهواره‌ای (با میانگین محاسبه شده ۲/۶۸ از ۳) تأثیر بیشتری بر پوشش نامناسب زنان و مردان در جامعه دارد (جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

نتایج نظرسنجی دیگری از شهروندان تهرانی نشان می‌دهد که ۶۶/۷ پاسخگویان معتقدند که ماهواره می‌تواند به میزان خیلی زیاد و قابل توجهی بر اشاعه بدحجابی در جامعه اثرگذار باشد (جمعی از محققان، ۱۳۹۰، ص ۶۹).

نتایج تحقیقی که به وسیله مهری کرامتی با عنوان «حجاب از دیدگاه شهروندان تهرانی» صورت گرفت، نشان داد که ۷۷/۵ درصد پاسخگویان، بدحجابی را به عنوان یک معضل شایع در جامعه می‌دانند و ۸۰/۶ درصد بدحجابی را باعث آسیب‌رسانی به امنیت اخلاقی جامعه و ۵۴/۲ درصد بدحجابی را عامل جرایم اخلاقی و ۷۸/۰۹ درصد نیز بدحجابی را عامل مزاحمت برای بانوان تلقی می‌کنند (کرامتی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶-۱۳۸).

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. روش تحقیق، جامعه و نمونه آماری

این پژوهش براساس رویکرد کمی و کیفی و با استفاده از روش پیمایشی و گفتگوهای عمیق با نخبگان حوزوی و دانشگاهی انجام شده است. در جمع‌آوری اطلاعات مقدماتی و نظریه‌ها، از روش اسنادی بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده دانشجویان دانشگاه تهران - پردیس فارابی متشکل از ۲۵۰۰ نفر بوده است که از این تعداد، ۳۷۰ نفر براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از پرسشنامه استفاده شده است.

۳-۲. اعتبار و پایایی

روایی و اعتبار شاخص‌ها مبتنی بر اعتبار صوری است. در واقع، اعتبار صوری بر مبنای داوری و قضاوت متخصصان است. به این منظور شاخص‌های مورد نظر توسط متخصصان ارزیابی شد. بررسی روایی گویه‌های شاخص اصلی تحقیق با استفاده از روش پایایی درونی انجام گرفته است. برای این منظور از تکنیک ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که میزان آن برای شاخص کل فضای فرهنگی خانواده برابر با ۰/۸۰۱ درآمده است که این میزان برای تجمع و تشکیل شاخص قابل قبول است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. فرضیات پژوهش

در این پژوهش، فرضیه اصلی شامل چهار فرضیه فرعی است که در فرآیند تحقیق این چهار فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد. در ادامه، هر یک از فرضیات بیان شده است.

۴-۱-۱. فرضیه اصلی

فردگرایی (مصالح فردی، خودمحوری، لذت‌گرایی و لذت در زمان حال، آزادی در تدبیر بدن) بر انگاره عدم مداخله دولت در الزام به حجاب رابطه معناداری دارد.

۴-۱-۲. فرضیات فرعی

۱. در نظر گرفتن مصالح فردی با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.

۲. خودمحوری با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.
۳. گرایش به لذت‌گرایی در زمان حال با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.
۴. آزادی داشتن در تدبیر بدن با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.

۳-۴. بخش استنباطی

در بررسی فرضیات، متغیرها در قالب دو مجموعه جداگانه در نرم افزار Spss با روش همبستگی کانونی تعریف می‌شود. مقدار ویژه از فرمول (میانگین مجموعه‌ها-۱ = مقدار ویژه) محاسبه می‌شود. در این فرضیات به دلیل اینکه فقط یک بعد وجود دارد، مقدار ضریب تناسب با مقدار ویژه برابر است. **فرضیه اول:** در نظر گرفتن مصالح فردی با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.

در فرضیه اول، با توجه به اینکه در صد دیدیم ارتباط بین دو متغیر «در نظر گرفتن مصالح فردی» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» را بررسی کنیم. از سوی دیگر، به دلیل اینکه هر یک از مجموعه‌ها فقط یک متغیر دارد، با در نظر گرفتن مدل تحقیق فقط یک مسیر بین این دو متغیر وجود دارد. از این رو، فقط یک بعد برای فرضیه اول در نظر گرفته می‌شود. مقدار ویژه محاسبه شده در فرضیه اول برابر با ۰/۷۲۳ است. در فرضیه اول، با توجه به اینکه رابطه بین دو متغیر مد نظر قرار دارد، از فرمول زیر استفاده می‌شود.

$$p_d = (r \times Ed) - 1 = (r \times 0.723) - 1 = 0.446$$

جدول شماره ۱: نتایج مربوط به فرضیه اول

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی کانونی	نتیجه آزمون
در نظر گرفتن مصالح فردی	نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب	۰/۰۵	۰/۰۰۷	۰/۴۴۶	وجود رابطه مثبت (رد H0)

براساس نتایج جدول شماره ۱، با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۷ بوده و این مقدار از سطح خطا ۰/۰۵ کمتر است؛ بنابراین، این فرضیه معنادار بوده و از آنجا که ضریب همبستگی کانونی برابر ۰/۴۴۶ است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که رابطه‌ای مثبت و معنادار بین «در نظر گرفتن مصالح فردی» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» وجود دارد که میزان این رابطه برابر با ۰/۴۴۶ است. در نتیجه، فرضیه اول محقق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین «در نظر گرفتن مصالح فردی» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» پذیرفته می‌شود.

بستر تاریخی رواج برهنگی، بیشتر به دوره شکل‌گیری رنسانس در اروپا و فراگیر شدن آن در نقاط مختلف، صنعتی شدن اروپا و پیدایش وسایل ارتباطی پیشرفته بازمی‌گردد. به دنبال آن، پوشش، حیا، پاکدامنی و در نهایت پارسایی، اندک اندک از جامعه انسانی فاصله گرفت. این تحول، نه تنها سبب جدایی انسان غربی از ارزش‌های انسانی و معنویات شد؛ بلکه سبب راهیابی فرهنگ برهنگی، به ویژه از طریق هنر و ادبیات، به فرهنگ ملت‌های مختلف شد. همچنین با ورود دنیا به فضای پست مدرن و رسانه‌ای در دهه ۱۹۶۰ میلادی و هم‌زمان، شکل‌گیری جریان‌هایی در این برهه، مانند جریان نهضت زنان، جنبش‌های اجتماعی، انقلاب جنسی و ظهور و رشد جنبش فردگرایی در غرب، تحولاتی بنیادین در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع پدید آورد که فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه ما نیز متأثر از این تغییرات بوده است. به بیان دیگر، جامعه مدرن وارد عصر جدیدی شد که یکی از ویژگی مهم آن، ظهور جنبش فردگرایی بود. فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور ما نیز متأثر از این تحولات بود. مجموعه این مسائل سبب شد تا تصور آحاد جامعه ایران درباره رعایت پوشش اسلامی، از بحث «تعهد اجتماعی» خارج شود و با فردی و شخصی انگاشتن آن، دخالت دولت و جامعه را در آن غیر مجاز بدانند. این گونه افراد بر اساس ترجیح خودپنداره‌ها، گرایش به تک‌روی و تمکین نکردن از قواعد اجتماعی، به شکل‌گیری پدیده بدحجابی در ایران دامن می‌زنند (گفتگو با دکتر محمدرضا زیبایی‌نژاد).

فرضیه دوم: خودمحوری با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.

مقدار ویژه محاسبه شده در فرضیه دوم برابر با ۰/۶۰۵ است. در این فرضیه با توجه به اینکه رابطه بین دو متغیر «خودمحوری» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» بررسی می‌شود، از فرمول زیر استفاده شده است.

$$p_d = (2 \times Ed) - 1 = (2 \times 0.605) - 1 = 0.210$$

جدول شماره ۲: نتایج مربوط به فرضیه دوم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی کانونی	نتیجه آزمون
خودمحوری	نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب	۰/۰۵	۰/۰۰۸	۰/۲۱۰	وجود رابطه مثبت (رد H0)

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۲ با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۸ بوده و این مقدار کمتر از میزان خطا است، بنابراین این فرضیه معنادار و ضریب همبستگی کانونی برابر ۰/۲۱۰ است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان، رابطه‌ای مثبت و معنادار بین «خودمحوری» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» وجود دارد.

فرضیه سوم: گرایش به لذت‌گرایی در زمان حال با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.

در فرضیه سوم، به دنبال ارتباط بین دو متغیر «گرایش به لذت‌گرایی در زمان حال» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» هستیم. متغیرها در قالب دو مجموعه جداگانه در نظر گرفته شده‌اند. مقدار ویژه محاسبه شده در فرضیه سوم برابر با ۰/۸۰۰ است.

$$p_d = (2 \times Ed) - 1 = (2 \times 0.800) - 1 = 0.600$$

جدول شماره ۳: نتایج مربوط به فرضیه سوم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی کانونی	نتیجه آزمون
گرایش به لذت‌گرایی در زمان حال	نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۶۰۰	وجود رابطه مثبت (رد H0)

بر اساس نتایج جدول شماره ۳، با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است و این مقدار از سطح خطا کمتر است؛ بنابراین، این فرضیه معنادار بوده و به دلیل اینکه ضریب همبستگی کانونی برابر ۰/۶۰۰ است؛ در نتیجه، رابطه‌ای مثبت و معنادار بین «گرایش به لذت‌گرایی در زمان

حال» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» وجود دارد.

فرضیه چهارم: گرایش به لذت‌گرایی در زمان حال با نگرش عدم مداخله دولت در الزام به حجاب در جامعه رابطه معنادار و مستقیم دارد.

در فرضیه چهارم ارتباط بین دو «آزادی داشتن در تدبیر بدن» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» بررسی می‌شود. مقدار ویژه محاسبه شده در فرضیه چهارم برابر با ۰/۸۹۷ است.

$$p_d = (r \times Ed) - 1 = (r \times 0.897) - 1 = 0.794$$

جدول شماره ۴: نتایج مربوط به فرضیه چهارم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی کانونی	نتیجه آزمون
آزادی داشتن در تدبیر بدن	نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۷۹۴	وجود رابطه مثبت (رد H0)

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۴ با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ بوده و این مقدار از سطح خطا ۰/۰۵ کمتر است. این فرضیه معنادار بوده و به دلیل آنکه ضریب همبستگی کانونی برابر ۰/۷۹۴ است؛ بنابراین، فرضیه چهارم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین «آزادی داشتن در تدبیر بدن» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» پذیرفته می‌شود.

مصاحبه با صاحب نظران نیز نشان می‌دهد در وضعیت کنونی جامعه، نگرش یا گفتمانی در جامعه حاکم شده است که دولت حق مداخله در الزام به حجاب ندارد. یکی از دلایل مهم این نگرش، ایجاد و تشدید پدیده‌ای به نام فردگرایی در جامعه ایران است که انعکاس دهنده این جمله است که «بگذارید هر کس کار خود را آزادانه انجام دهد». بر اساس شاخص‌های فردگرایی می‌توان گسترش تفکر فردگرایی را در جامعه کنونی ایران ردیابی کرد.

۱. آزادی در تدبیر بدن: طرز تفکر اشخاص فردگرا این است که هر گونه تدبیر و تصرفی را می‌توانند نسبت به بدن و پوشش خود در جامعه داشته باشند. می‌گویند حجاب حق شخصی من است کسی در این باره حق مداخله ندارد (گفتگو با دکتر محمدرضا زیبایی‌نژاد) چنین اشخاصی بر این باورند که اجازه دهید مردم آزادانه زندگی کنند و در امور زندگی دیگران مداخله نکنید. چه بسا به آمر به معروف و ناهی از منکر تعریض و تعرض کنند که چرا درباره پوشش شخصی او دخالت می‌کنید.

متأسفانه امروز در جامعه ایران، آمر به معروف و ناهی از منکر سرکوب می‌شود.

۲. تقدم مصالح فردی به مصالح اجتماعی: بر این اساس برای اشخاص فردگرا، ارزش‌های اجتماعی، یا به تعبیر دیگر اعتبار اجتماعی اهمیت دارد، نه ارزش‌های دینی یا خانوادگی. لذا غالباً بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه به دلیل بی‌مبالاتی جنسی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه به خاطر پز اجتماعی انجام می‌شود (گفتگو با دکتر نیره قوی).

۳. حاکمیت لذت‌گرایی یا کیف در زمان حال: در این شاخص فردگرایی به این تعریف می‌شود که همه چیز به لذت فرد منتهی شود. وقتی در بیشتر عرصه‌های زندگی به خوشی و راحتی در لحظه حاضر فکر کردید، دیگر نمی‌توان در عرصه عفاف و حجاب گفت به حال فکر نکن به آینده و نسل آینده فکر کن (گفتگوی دکتر محمدرضا زیبایی نژاد و دکتر محمدرضا سالاری فر). کل مناسبات زندگی، مثل جریان رودخانه به سمت دیگری می‌رود و ما به تنهایی نمی‌توانیم برخلاف جریان این رودخانه در بحث عفاف و حجاب حرکت کنیم.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی بر اساس دیدگاه دانشجویان
در زمینه شیوه مداخله دولت در امر پوشش در ادارات دولتی و نهادهای آموزشی

درصد	فراوانی	به نظر شما در سازمان‌ها و اداره‌جات دولتی و نهادهای آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) وجود ضوابط، اجرا و نظارت در مقوله پوشش و حجاب چگونه باید باشد.
۲۱,۶	۸۰	وجود ضوابط، اجرا و نظارت در مقوله پوشش و حجاب ضروری و لازم است.
۱۸,۱	۶۷	فقط وجود ضوابط و اجرا ضرورت دارد؛ ولی نباید بر آن نظارت شود.
۱۴,۰	۵۲	هیچ کدام ضرورت ندارد؛ بلکه مردم آزادانه پوشش اسلامی را رعایت می‌کنند.
۴۶,۲	۱۷۱	اصلاً نباید در امر پوشش و حجاب مداخله شود؛ بلکه افراد آزادند با پوشش دلخواه خود در نهادهای دولتی و آموزشی حاضر شوند.
۱۰۰,۰	۳۷۰	جمع کل

در بحث نگرش دانشجویان در زمینه شیوه مداخله دولت در امر پوشش در سازمان‌ها و ادارات دولتی و نهادهای آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) و اینکه وجود ضوابط، اجرا و نظارت در مقوله پوشش و حجاب چگونه باید باشد، بیشتر افراد (۴۶,۲ درصد پاسخگویان) معتقدند که اصلاً نباید در امر پوشش و حجاب مداخله شود؛ بلکه افراد آزادند با پوشش دلخواه خود در نهادهای دولتی و

آموزشی حاضر شوند و در رتبه بعد ۲۱,۶ درصد پاسخگویان بر این باورند که وجود ضوابط، اجرا و نظارت در مقوله پوشش و حجاب ضروری و لازم است. در رتبه بعد ۱۸,۱ درصد افراد معتقدند که فقط وجود ضوابط و اجرا ضرورت دارد؛ ولی نباید بر آن نظارت شود. این در حالی است که فقط ۱۴,۰ درصد پاسخگویان بر این باورند که وجود ضوابط، اجرا و نظارت در مقوله پوشش و حجاب ضرورت ندارد؛ بلکه مردم آزادانه پوشش اسلامی را رعایت می‌کنند.

برآیند دیدگاه مصاحبه شوندگان در این باره چنین است: در سال‌های اخیر با گسترش پدیده بدحجابی در جامعه، تصور برخی بر این بود که اگر ظاهر حجاب (پوشش فیزیکی) را به صورت قهری و اجبار اعمال کنیم، مشکل حل می‌شود. بنابراین، تنها راه حل اصلاح وضع موجود را توسعه فعالیت‌های انتظامی و قضایی برای مقابله با این ناهنجاری اجتماعی می‌دانستند؛ غافل از اینکه ترویج تحمیلی حجاب، به همان میزان خطرناک است که کشف تحمیلی حجاب. فرهنگ و تفکر دینی و اخلاق نباید تحمیلی باشد؛ بلکه در این باره باید واقع‌بینانه، نه شعاری، فرهنگ‌سازی شود؛ یعنی اقداماتی انجام شود که افراد اقناع شوند که رعایت حجاب سود شخصی دارد و به ارزش حجاب پی ببرند. در این صورت، دیگر خودشان به هیچ قیمتی حاضر نیستند گوهر حجاب را از دست بدهند و لازم نیست از روش‌های اجباری استفاده شود. (گفتگو با دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی؛ دکتر سید حسین شرف‌الدین، دکتر بهرام بیات) اگر فرهنگ عفاف به دغدغه عمومی مردم تبدیل شود، نه یک فرهنگ تحمیلی، خود به خود حجاب نیز نهادینه می‌شود.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی برحسب دیدگاه دانشجویان
در زمینه شیوه مداخله دولت در امر پوشش در سطح جامعه

درصد	فراوانی	به نظر شما شیوه مداخله حکومت و دولت با بدحجابی و پوشش‌های نامطلوب پسران و دختران در سطح جامعه باید به چه نحوی صورت پذیرد؟
۳۸,۱	۱۴۱	پوشش و حجاب مسئله شخصی است و حکومت و دولت نباید در آن دخالت کند.
۱۵,۴	۷۲	باید با افراد بدحجاب و بدپوش برخورد شود و با این حال، فرهنگ‌سازی شود.
۳۱,۱	۱۰۰	فقط باید در سطح وسیع جامعه فرهنگ‌سازی شود.
۱۵,۴	۵۷	باید کنترل محدود و منطقی شود.
۱۰۰,۰	۳۷۰	جمع کل

در بحث نگرش دانشجویان در زمینه شیوه مداخله دولت و حکومت در امر پوشش در سطح جامعه و اینکه آیا باید مسئله بدحجابی و بدپوشی برخورد شود و در صورت لزوم چه نوع برخوردی باید صورت پذیرد، بیشتر افراد (۳۸,۱ درصد پاسخگویان) معتقدند که پوشش و حجاب مسئله شخصی است و دولت و حکومت نباید در آن دخالت کند و ۱۵,۴ درصد افراد خواهان کنترل محدود و منطقی از سوی دولت هستند. ۱۵,۴ درصد افراد نیز بر این باورند که باید با افراد بدحجاب و بدپوش برخورد شود و با این حال، فرهنگ سازی شود. ۳۱,۱ درصد افراد نیز در پاسخ به این سؤال، بحث ضرورت فرهنگ سازی در این باره را مطرح کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

جدول شماره ۱ بیانگر این است که با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که رابطه‌ای مثبت و معنادار بین «در نظر گرفتن مصالح فردی» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» وجود دارد که میزان این رابطه برابر با ۰/۴۴۶ است. بنابراین، فرضیه اول محقق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین «در نظر گرفتن مصالح فردی» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» پذیرفته می‌شود. جدول شماره ۲ نشانگر آن است که رابطه‌ای مثبت و معنادار بین «خودمحوری» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» وجود دارد.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که رابطه‌ای مثبت و معنادار بین «گرایش به لذت‌گرایی در زمان حال» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» وجود دارد.

جدول شماره ۴ بیانگر این است که رابطه معنادار بین «آزادی داشتن در تدبیر بدن» و «نگرش عدم مداخله دولت در الزام حجاب» وجود دارد.

جدول شماره ۵ نشانگر آن است که بیشتر دانشجویان در زمینه شیوه مداخله دولت در امر پوشش در ادارات دولتی و نهادهای آموزشی اعتقاد دارند که اصلاً نباید در امر پوشش و حجاب مداخله شود؛ بلکه افراد آزادند با پوشش دلخواه خود در نهادهای دولتی و آموزشی حاضر شوند.

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بیشتر دانشجویان در زمینه شیوه مداخله دولت در امر پوشش در سطح جامعه اعتقاد دارند که پوشش و حجاب مسئله شخصی است و دولت نباید در آن دخالت کند. با توجه به آثار اجتماعی رعایت عفاف و حجاب می‌توان نتیجه گرفت که عفاف و حجاب حق شخصی نیست تا دستاویزی بشود بر عدم مراعات آن در جامعه؛ بلکه حقی است که به مصلحت

جامعه و دیگران است. از این رو، غیر قابل اسقاط است و مسلمانان ملزم به اجرای آن در جامعه هستند. بنابراین، حجاب یکی از احکام الهی است و نقض حکم الهی به بهانه شخصی بودن آن، از پیامد تعزیر یا امر و نهی خالی نیست. علاوه بر آنکه ثابت شد حجاب از امور اجتماعی محسوب شده و نه امری کاملاً فردی، گرچه ممکن است نشانه‌هایی از فردی بودن در آن نیز یافت شود. حکومت اسلامی حق دخالت در امور اجتماعی غیر دینی از قبیل تنظیم مقررات عبور و مرور و غیره را دارد؛ پس به طریق اولی باید قوانینی را برای حفظ نظام اخلاقی جامعه بر اساس آموزه‌های دینی انجام دهد که یکی از این امور، حجاب است.

اساساً تعزیرات با توجه به ذات و نحوه تعیین، قلمرو قابل تغییر و نحوه اثبات آن، قابلیت تأثیر مستقیم از نظرات عمومی را دارد و حاکم می‌تواند بسیاری از عناوین جرایم موجود به عنوان تعزیرات را با توجه به نظرات عمومی بزداید یا بر تعداد جرایم بیفزاید. این یک اصل است که قوه مقننه در فرایند جرم‌انگاری و جرم‌زدایی ملزم به رعایت ارزش‌ها و نگرش‌های مردمی است؛ ولی میزان و نحوه این توجه در جوامع مختلف و نظام‌های حقوقی و قضایی گوناگون بسیار متفاوت و متنوع است. در عصر فردگرایی به معنای گسترده‌اش، امر به معروف و نهی از منکر مخل نظم اجتماعی است؛ زیرا همبستگی اجتماعی به این معنا نخواهد بود که «چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار/ تو کز محنت دیگران بی غمی، نشاید که نامت نهند آدمی»؛ بلکه فردگرایی و پذیرش تکثرات فردی، زمینه‌ساز تحقق همبستگی اجتماعی می‌شود. به این معنا که بپذیریم هر کس کار خود را انجام دهد. امر به معروف و نهی از منکر در این سیستم، به معنای اختلال ایجاد کردن در سیستم است؛ یعنی مزاحم زندگی دیگران شده‌ایم و نظم اجتماعی مختل می‌شود. متأسفانه، امروزه در جامعه ایرانی امر به معروف و ناهی از منکر سرکوب می‌شود. طرز تفکر جامعه این است که اجازه دهید مردم آزادانه زندگی کنند و در امور زندگی دیگران مداخله نکنید. از این رو، به نظر می‌رسد تا زمانی زیرساخت‌های ذهنی و عینی جامعه، از جمله حاکمیت تفکر حریم عمومی و جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی فراهم نشود، عملاً از منظر فقهی و اجتماعی احتمال تأثیر امر به معروف و نهی منکر و اجرای قانون عفاف و حجاب توسط دولت محدود می‌شود؛ در نتیجه، باید با نگرش علمی و کاربردی زمینه‌های جرم‌انگاری و اجرای آن در جامعه هموار شود. البته همیشه در هر جریانی یک عده افراد و عوامل سازمان‌یافته می‌خواهند جریان‌سازی کنند. بنابراین حکومت و دولت باید با افرادی که درصدد مقابله با فرهنگ اسلامی و نظام اسلامی هستند، مقابله کند.

فهرست منابع

۱. افشار، اباذر (۱۳۹۳)، رسانه ملی و نهادهای سازنده فرهنگ عفاف و حجاب در ایران، قم: انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲. ایران نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۷۸)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات میدان.
۳. آراسته خو، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخش.
۴. آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷)، لیبرالیسم غرب: ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات مرکز.
۵. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات چاپار.
۶. بابک، احمد (۱۳۷۷)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مرکز.
۷. جمعی از محققان (۱۳۹۰)، پروژه نظرسنجی طرح امنیت اخلاقی (بدحجابی) از دیدگاه شهروندان تهرانی، بی جا.
۸. جوادی یگانه، محمدرضا و سید ضیاء هاشمی (۱۳۸۷)، «نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی در جامعه شناسی»، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳.
۹. جهانیان، ناصر (۱۳۷۸)، «فردگرایی و نظام لیبرال - سرمایه داری»، نشریه کتاب نقد، شماره ۳.
۱۰. حبیب پور، کرم و رضا صفری (۱۳۸۸)، راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، تهران: راهبرد پیمایش.
۱۱. حسینی، سید محمد (۱۳۸۷)، «حدود و تعزیرات (قلمرو انواع احکام)»، مجله حقوق، دوره ۳۸، شماره ۱.
۱۲. _____ (۱۳۹۴)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. حمیدیه، بهزاد (۱۳۸۵)، «بازشناسی فردگرایی و پیامدهای آن»، مجله راهبردی، شماره ۶.
۱۴. دورکیم، امیل (۱۳۸۷)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات مرکز.
۱۵. شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
۱۶. صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق و اجتماع، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۷. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۸)، العروة الوثقی، تهران: مطبعة الحیدریة.
۱۸. عوقی، وحید (۱۳۹۰)، «جمع‌گرایی و فردگرایی از دیدگاه فرهنگ جامعه مهدوی»، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره ۲.
۱۹. قماش، سعید (۱۳۸۹)، «بنیادهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری نوین»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۲۴.
۲۰. کرایپ، یان (۱۳۸۲)، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: آگه.
۲۱. کیویستو، پیتر (۱۳۸۶)، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۲. گولدر، جولیوس و ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶)، فرهنگ اجتماعی، ترجمه جمعی از مترجمان، چاپ اول، تهران: انتشارات مازیار.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
۲۴. _____ (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۵. معیدفر، سعید و حبیب، صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰)، «بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳)، «تحلیلی پیرامون مسئله تعزیرات در اسلام»، مجله نور علم، شماره ۵.
۲۷. وبر، ماکس (۱۳۸۳)، دین قدرت جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات قومس.
۲۸. وثوقی، منصور و حسین، میرزایی (۱۳۸۷)، «فردگرایی: تأملی در ابعاد و شاخص‌ها»، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴.

کارشناسان، اساتید و صاحب نظران گفتگوشونده

۱. سردار دکتر بهرام بیات، دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲. حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان، هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا سالاری‌فر، هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. حجت الاسلام والمسلمین دکتر کریم خان محمدی، هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۵. حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا زیبایی‌نژاد، رئیس دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم.
۶. دکتر سید حسین شرف‌الدین، هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۷. دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی، استاد دانشکده صدا و سیما.
۸. دکتر نیره قوی، هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی